

چکیده

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-توصیفی می‌کوشد میزان موفقیت حوزه‌های علمیه را در تربیت «نخبگان دینی با رویکرد اجتماعی» ارزیابی کند. مقصود از چنین نخبه‌ای، عالمی است که علاوه بر تسلط علمی و تهذیب اخلاقی، توانایی فهم و تحلیل مسائل اجتماعی، اثرگذاری در جامعه و ارائه راه‌حل‌های دینی برای چالش‌های نوپدید را داشته باشد. مقاله ابتدا تصویری روشن از این مفهوم ارائه می‌دهد و سپس نقش سازوکارهای سنتی حوزه - مانند مسجد، منبر، سیره عملی اساتید و آداب طلبگی - را در شکل‌گیری این نوع تربیت بررسی می‌کند. در ادامه، با توجه به چالش‌های جدید مانند غلبه نگاه کمی، فاصله نسلی، کمبود زیرساخت‌های نوآوری و ضعف در مواجهه با فضای رسانه‌ای، ضرورت بازنگری در الگوی تربیت اجتماعی طلاب تبیین می‌شود. این پژوهش با معرفی شاخص‌هایی برای ارزیابی در سه مرحله ورودی، فرآیند و خروجی، و همچنین ارائه یک الگوی پنج‌بعدی شامل تحول آموزشی، نهادسازی عملی، استعدادیابی، بهره‌گیری از رسانه‌های نوین و نظام مشاوره، راهکارهایی عملی برای ارتقای کارآمدی حوزه پیشنهاد می‌دهد. نتیجه نهایی نشان می‌دهد که آینده حوزه علمیه زمانی تضمین می‌شود که میراث ارزشمند سنتی به‌صورت هوشمندانه با نیازهای جهان پیچیده امروز پیوند بخورد؛ پیوندی که می‌تواند نسلی از عالمان دینی را پرورش دهد که نه تنها پاسدار میراث گذشته‌اند، بلکه توان طراحی و اصلاح مسیر اجتماعی فردای جامعه اسلامی را نیز دارند.

کلیدواژه‌ها: حوزه‌های علمیه، تحول آموزشی، تربیت اجتماعی، سنت و نوآوری، نخبه دینی اجتماعی

1. طلبه اشتغال به تحصیل سطح ۲، حوزه علمیه امام خمینی رحمه‌الله، کرمانشاه.

حوزه‌های علمیه در تاریخ اجتماعی ایران همواره یکی از اصلی‌ترین مراکز تولید اندیشه دینی و تربیت نیروهای اثرگذار اجتماعی بوده‌اند. این نهادهای ریشه‌دار، علاوه بر حفظ و گسترش معارف اسلامی، عالمانی را پرورش داده‌اند که در بزنگاه‌های مهم تاریخی، نقش هدایتگر جامعه را بر عهده داشته‌اند. با این حال، جهان امروز، جهانی شتابان و متفاوت از گذشته است؛ فضایی که در آن تحولات اجتماعی لحظه‌ای رخ می‌دهند، رسانه‌ها شکل تازه‌ای از زیست را رقم زده‌اند و مسائل اجتماعی ابعاد پیچیده‌تری پیدا کرده‌اند.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این پژوهش شکل می‌گیرد: آیا الگوی تربیتی سنتی حوزه‌های علمیه، به‌تنهایی می‌تواند «نخبه دینی با رویکرد اجتماعی» تربیت کند؟ عالمی که هم دانش عمیق دینی داشته باشد و هم مسائل جامعه را بفهمد، زبان نسل جدید را بشناسد، در فضای چندصدایی اجتماعی حضور فعال داشته باشد و بتواند برای مسائل نوظهور، راه‌حل‌های اجتهادی و قابل‌اجرا ارائه دهد.

شواهد نشان می‌دهد این پرسش بی‌دلیل نیست: شکاف میان نسل قدیم و جدید حوزه رو به افزایش است؛ گاهی شمار طلاب و مدارس بیش از کیفیت تربیت برجسته می‌شود؛ و حوزه در مواجهه با فضای رسانه‌ای پرسرعت امروز، کمتر توانسته گفت‌وگویی جذاب و اقناع‌کننده تولید کند. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که حوزه، با وجود سرمایه عظیم علمی و اخلاقی خود، برای ادامه نقش تأثیرگذارش در جامعه معاصر نیازمند بازاندیشی در روش‌های نخبه‌پروری است.

بر همین اساس، این مقاله با هدف ارزیابی واقع‌بینانه از وضعیت موجود، بررسی نقاط قوت و ضعف الگوی سنتی، تحلیل الزامات عصر جدید و ارائه راهکارهای عملی، تلاش می‌کند نقشه راهی برای توانمندسازی حوزه در تربیت نخبگان دینی جامعه‌گرا ارائه دهد. امید است این تلاش بتواند گامی هرچند کوچک در جهت ارتقای جایگاه و کارکرد اجتماعی حوزه علمیه و پاسداشت آینده آن باشد.

۱. چارچوب مفهومی و مبانی نظری

۱.۱. تعریف «نخبه دینی با رویکرد اجتماعی»

وقتی از «نخبه دینی با رویکرد اجتماعی» سخن می‌گوییم، منظور عالمی است که شخصیت او تنها در حوزه دانش دینی خلاصه نمی‌شود، بلکه سه بُعد مهم و مکمل—علمی، اخلاقی و اجتماعی—در او به‌صورت هماهنگ و رشد یافته دیده می‌شود.

در بُعد علمی، چنین فردی باید توانایی استنباط عمیق و اجتهادی از منابع اصلی دین داشته باشد؛ یعنی قدرت تحلیل، جمع‌بندی و استخراج حکم از کتاب و سنت و دیگر ادله معتبر را در خود پرورش داده باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ۲۳).

در بُعد اخلاقی، زیربنای اصلی شخصیت او «خودسازی» است؛ همان فرایندی که در آن عالم دینی با مراقبت دائم و تهذیب نفس می‌کوشد تا گرفتار خودخواهی‌ها و تمایلات ناسالم نشود و رفتار و تصمیم‌هایش بر محور ارزش‌های الهی شکل بگیرد (قرائتی، ۱۳۸۷، ۴۵).

اما بُعد سوم، یعنی بُعد اجتماعی، آن جایی است که نخبه دینی به معنای دقیق کلمه تحقق می‌یابد. در این بخش، احساس مسئولیت نسبت به مردم و تلاش برای اصلاح و هدایت جامعه اهمیتی اساسی پیدا می‌کند. نخبه دینی باید توانایی اثرگذاری اجتماعی، تحلیل نیازهای زمانه و ارائه راهکارهای مبتنی بر معارف دینی را در رفتار و گفتار خود نشان دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۱۲).

به این ترتیب، نخبه دینی دارای رویکرد اجتماعی، محصول منظومه‌ای است که علم، اخلاق و مسئولیت اجتماعی را در کنار هم می‌بیند و هیچ‌یک را فدای دیگری نمی‌کند.

۱.۲. مبانی تربیت اجتماعی در اسلام

تربیت اجتماعی در نگاه اسلامی بر سه ستون اصلی استوار است: قرآن، سنت و عقل.

نخست، قرآن با صراحت بر ضرورت شکل‌گیری هسته‌های فعال هدایتگری اجتماعی تأکید می‌کند. آیه «وَلْتَكُنْ

مَنْكُمْ أُمَّةٌ...» نه تنها دعوت به خیر، بلکه ساماندهی و سازمان‌دهی کار اجتماعی را گوشزد می‌کند؛ یعنی اصلاح جامعه نیازمند برنامه و حضور نیروهای مسئول و آگاه است.

در سنت پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) نیز همین رویکرد دیده می‌شود؛ آنان نه منزوی بودند و نه صرفاً نقش آموزشی داشتند، بلکه در دل تحولات اجتماعی حضور می‌یافتند، به مسائل زمانه خود واکنش نشان می‌دادند و مسیر اصلاح را پیش می‌بردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵۶).

در کنار این دو، عقل نیز دآوری قاطعی دارد: بدون مدیریت آگاهانه و مشارکت فعال، نمی‌توان جامعه‌ای مطلوب و بر پایه ارزش‌های دینی ساخت. عقل حکم می‌کند که در ساخت جامعه اسلامی، عالمان دین نقشی محوری در جهت‌دهی و هدایت فکری و اجتماعی دارند (مطهری، ۱۳۷۷، ۸۹).

برآیند این سه منبع، چارچوبی را شکل می‌دهد که در آن تربیت اجتماعی امری حاشیه‌ای یا ثانوی نیست، بلکه بخشی از هویت و رسالت دینی به شمار می‌آید.

۱.۳. نسبت سنت و تجدد در الگوی نخبه‌پروری

در بحث نخبه‌پروری دینی، یکی از موضوعات مهم، نسبت میان «سنت» و «تجدد» است. حوزه‌های علمیه ناگزیر از ایجاد توازن میان این دو عرصه‌اند؛ زیرا از یک سو، میراث علمی و روشی حوزه—از جمله اصول اجتهاد، متون مادر و شیوه‌های تحقیق سنتی—سرمایه‌ای است که هویت علمی حوزه بر آن بنا شده است و پاسداشت آن ضروری است (معرفت، ۱۳۸۲، ۷۴).

اما از سوی دیگر، جامعه امروز با پرسش‌ها و مسائل تازه‌ای روبه‌روست که پاسخگویی به آن‌ها تنها با تکرار روش‌های قدیمی ممکن نیست. عالم دینی باید بتواند با همان اصول و مبانی، اما با درک شرایط جدید و بهره‌گیری از روش‌های اجتهادی روزآمد، مسائل نوپدید را تحلیل و تبیین کند.

ایجاد توازن میان «وفاداری به میراث» و «پاسخگویی به نیازهای زمانه» همان نقطه‌ای است که الگوی نخبه‌پروری را از دو افراط نجات می‌دهد: نه در دام جمود بر گذشته می‌افتد که هر تغییری را بدعت بداند، و نه دچار شیفتگی به تجدد می‌شود که اصالت و ریشه‌های علمی را کمرنگ کند (حائری یزدی، ۱۳۸۱، ۱۳۳).

چنین تعادلی باعث می‌شود که نخبه دینی بتواند ضمن حفظ هویت علمی اصیل، نقشی مؤثر در هدایت جامعه معاصر ایفا کند.

۲. سازوکارهای سنتی تربیت اجتماعی در حوزه علمیه (وضعیت موجود)

۲.۱. کارکرد تربیت اجتماعی در تاریخ حوزه‌های علمیه: از مدارس سنتی تا حوزه‌های نوین

تربیت اجتماعی در حوزه‌های علمیه از آغاز با هویت این نهاد گره خورده است. از همان دوره‌های نخست، حوزه تنها مرکزی برای درس گفتن نبود، بلکه مکانی بود که در آن فهم عمیق دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کنار هم شکل می‌گرفت. در نگاه سیاست‌گذاران حوزه، بنیان قرآنی این نهاد در آیه‌ای ریشه دارد که گروهی را مأمور «تفقه» و گروهی را مسئول «ابلاغ و آگاهی‌بخشی» معرفی می‌کند (خبرگزاری حوزه، بی‌تا، بخش ۲). بر همین اساس، حوزه همواره خود را نهادی دارای نقش تمدنی دانسته؛ نهادی که می‌کوشد پیوند میان معرفت دینی و جامعه را زنده نگه دارد.

با عبور از دوران مدرسه‌های سنتی و ورود به عصر جدید، این کارکرد اصلی هنوز پا بر جاست، اما صورت آن تغییر کرده است. امروزه برخی حوزه‌ها توانسته‌اند با حفظ ارزش‌های اصیل، قالب‌های نوینی برای تربیت ارائه کنند. نمونه‌ای از این تحول را می‌توان در عملکرد برخی مدارس یک استان مشاهده کرد که با کسب رتبه نخست کشوری در پژوهش‌های حوزوی و ارتقای چند مدرسه به سطح عالی، نشان داده‌اند که حوزه می‌تواند سنت دیرینه خود را با نیازهای روز هماهنگ کند (همان، بخش ۴). بدین ترتیب، حوزه معاصر همچنان در تلاش است تا مجموعه‌ای هماهنگ از «پایبندی به میراث» و «پاسخگویی به مسائل زمانه» را پیش ببرد.

۲.۲. روش‌های غیرمستقیم تربیت اجتماعی: زیست‌بوم حوزوی، سیره عملی اساتید و آداب طلبگی

سیره عملی اساتید

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تربیت اجتماعی در حوزه، تربیتی است که در کلاس درس اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه در رفتار استاد جلوه می‌کند. استادانی که با التزام عملی زندگی می‌کنند، برای طلاب نقش الگو دارند و همین الگو

عرصه را جدی بگیرد (معتدّنژاد، ۱۳۹۴، ص ۸۹).

۵.۵. طراحی نظام مشاوره و پشتیبانی

طلاب فعال در میدان اجتماعی، با مسائل پیچیده‌ای مواجه می‌شوند؛ از فشارهای روانی و چالش‌های مدیریتی گرفته تا مواجهه با مسائل اخلاقی و اختلافات اجتماعی. چنین فعالیت‌هایی بدون نظام حمایتی کافی، می‌تواند موجب فرسودگی یا سردرگمی شود. به همین دلیل، ایجاد یک نظام مشاوره و پشتیبانی سازمان‌یافته ضرورت دارد.

این نظام باید چند محور اصلی را پوشش دهد: نخست، مشاوره تخصصی است تا طلاب بتوانند از مشاورانی که با فضای حوزوی آشنا هستند، در موضوعات روان‌شناسی و مدیریت تنش بهره ببرند. دوم، پشتیبانی علمی و فکری است که از طریق تشکیل شوراهای تخصصی متشکل از استادان با تجربه فراهم می‌شود. سوم، پشتیبانی حقوقی و منابعی است که شامل ارائه مشاوره‌های حقوقی و کمک‌های مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های اجتماعی است. یک نظام مشاوره‌ای کارآمد نه تنها بحران‌ها را برطرف می‌کند، بلکه مسیر رشد حرفه‌ای و شخصی را نیز هموار می‌سازد و از فرسودگی جلوگیری می‌کند (شفیع‌آبادی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۴).

نگارش این مقاله، بیش از آنکه یک پایان باشد، آغازی برای تأمل است. تأملی بر سرنوشت نهادی که قرن‌ها حافظ معارف دینی و پرورش‌دهنده بزرگان علم و اخلاق بوده است. آنچه از این بررسی جامع به دست می‌آید، تصویری دوجبه‌ای است: از یک سو، حوزه‌های علمیه از سرمایه‌ای بی‌نظیر برخوردارند. سرمایه‌ای متشکل از روش‌های تربیتی ریشه‌دار، فضاهای معنوی عمیق، و سنت پیوند مستقیم عالم با مردم. این دارایی‌ها، بستری استوار برای هرگونه تحول آینده‌نگر فراهم می‌کند.

اما وجه دیگر تصویر، ما را با واقعیت‌هایی گریزنایپذیر روبه‌رو می‌سازد. واقعیت دنیایی که سرعت تغییر در آن، هر نهاد کهنی را به بازنگری در روش‌های خود فرامی‌خواند. واقعیت نسل جدیدی که زبان، ابزار و دغدغه‌های ارتباطی‌اش تفاوت‌هایی بنیادین با گذشته دارد. و واقعیت مسائل اجتماعی پیچیده‌ای که حل آنها نیازمند تلفیق دانش سنتی با مهارت‌های نوینی مانند پژوهش میدانی، مدیریت پروژه و آگاهی رسانه‌ای است.

پاسخ به این شرایط، نه در انزوا و چسبیدن صرف به گذشته است، و نه در شیفتگی کورکورانه به هر نوآوری. پاسخ را باید در ترکیب خردمندانه جست‌وجو کرد. ترکیبی که در آن، اصالت علمی و پایبندی اخلاقی حوزه محفوظ می‌ماند، اما قالب‌های تربیتی آن، شهادت رویارویی با مسائل جدید را پیدا می‌کنند. این امر مستلزم جرأت برای گنجاندن درس‌های میان‌رشته‌ای، ایجاد فرصت‌های عملی برای تمرین رهبری اجتماعی، به‌کارگیری هوشمندانه فضای مجازی به‌عنوان یک فرصت تبلیغی، و طراحی نظامی حمایتی برای هدایت و پشتیبانی از طلاب در مسیر پرچالش مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

آینده حوزه، آینده‌ای است که باید ساخته شود. این آینده در گرو آن است که اصحاب حوزه — از مدیران و اساتید تا طلاب — پذیرای گفت‌وگویی سازنده باشند. گفت‌وگویی که در آن، عشق به سنت، با شجاعت نوآوری همراه شود. اگر این مسیر با خرد و تدبیر پیموده شود، حوزه‌های علمیه نه تنها جایگاه تاریخی خود را حفظ خواهند کرد، که خواهند توانست در شکل‌دهی به جامعه‌ای انسانی‌تر، عادلانه‌تر و متعالی‌تر در عصر حاضر، نقشی بی‌بدیل و زنده ایفا نمایند.

اخوی، اصغر. (بی‌تا). نقش حوزه‌های علمیه در تربیت نسل سالم و صالح. دانشگاه جامع علمی‌کاربردی مرکز چهارم.

اژه‌ای، جواد؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احقر، قدسی؛ آرین، خدیجه؛ حسینی، سیدمهدی؛ رسولی، محسن؛ زارع‌بهرام‌آبادی، مهدی. (۱۴۰۰). مبانی مشاوره و راهنمایی. تهران: رشد فرهنگ.

پیشاهنگ، محمدحسین. (۱۴۰۴، ۲۲ آبان). «حوزه‌های علمیه در گذار از نسل Z به نسل آلفا؛ آینده تربیت طلاب در عصر هوش مصنوعی». خبرگزاری رسا.

تبیان. (بی‌تا). «راهکارهای نوین برای تربیت نخبگان دینی در استان کرمان». خبرگزاری حوزه.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: اسراء.

حائری یزدی، مهدی. (۱۳۸۱). کاوش‌های عقل عملی. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.

حسینی نیک، محمد؛ شجاعی، مسلم؛ باطنی، سعیده. (۱۴۰۱). «اصول و روش‌های تربیت اجتماعی و دینی از منظر قرآن کریم». روانشناسی اجتماعی، ۱۰(۶۳)، ۸۱-۹۷.

خبرگزاری حوزه. (بی‌تا). «صیانت از دستاوردهای تاریخی حوزه...».

خبرگزاری حوزه. (۱۴۰۴، ۱۵ آذر). «حوزه‌های علمیه در طراحی و تنظیم نظامات اجتماعی در علوم اسلامی».

خبرگزاری رسا. (۱۴۰۴، ۲۱ آبان). «مدارس علمیه شخصیت‌های اثرگذار برای آینده انقلاب تربیت کنند».

رشاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). تحول علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رشیدی آل‌هاشم، محمدرضا؛ حسینی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «شناسایی تربیت دینی در بعد اجتماعی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه». تربیت متعالی.

سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.

شیزندهدار، محمدمهدی. (بی‌تا). «صیانت از دستاوردهای تاریخی حوزه...». خبرگزاری حوزه علمیه خراسان.

صدر، موسی. (۱۳۹۵). ادیان در خدمت انسان. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴/۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲ و ج ۴). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عالمزاده نوری، محمد. (۱۴۰۴، ۱۴ آذر). «ارکان و مقومات تربیت در حوزه‌های علمیه و در طرح تعالی». تهذیب.

علمیه خراسان، خبرگزاری. (۱۴۰۴، ۷ مهر). «تحول علمی و معنوی حوزه‌های علمیه با تغییر رویکرد اساتید آغاز می‌شود».

فعال: فقه اجتماعی: مبانی، روش و قلمرو. (موسوی‌زاده، سیدعلی و همکاران). (۱۳۹۸). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۷). اخلاق اسلامی. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کاظم معتمدنژاد. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی رسانه‌ها. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). آموزش فلسفه (ج ۲). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). جامعه و تاریخ. تهران: صدرا.

معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۲). نظریه حق و تکلیف در اسلام. قم: مؤسسه فرهنگی فهیم.

Zaid, B. et al. (2025). The Future of Religious Education: The Role and Contributions of Youth Theology. Religions, 16(4), 454